

اسلام و پان اسلامیزم



آوتیس سلطانزاده

نشر کارگری - سوسیالیستی

« اسلام و پان اسلامیزم »

مبارزه ای که برای آزادی ملی در تمام کشورهای تحت سلطه در حال وقوع است و روز به روز ابعاد گسترده تری می یابد، برای رهبران مسلمان به مبارزه اسلام علیه اقتدار کفار بدل شده است. برخی از کانونهای اسلامی به فکر ایجاد دولت یک پارچه و یکتای اسلامی افتاده اند، و بدین لحاظ تنفر عمیق خود را از سرمایه داری اروپا، که مخالف جدی تشکیل دولتی با قوانین الهی است پنهان نمی دارند. در نتیجه این جنبش علیه حاکمیت جهانی سرمایه داری سمت یافته، از این بابت به جنبش رهایی بخش ملی کشورهای تحت سلطه یاری می رساند، با وجود این که اهداف آن عمیقاً ارتجاعی است. قبل از جنگ از میان 250 تا 360 میلیون مسلمان، فقط 37 میلیون در کشورهایی با "استقلال" سیاسی زندگی می کردند، و باقی یعنی حدود 90% مسلمانان ساکن کشورهای بودند که تحت نفوذ مستقیم دول سرمایه داری اروپا قرار داشتند. اکنون در صد این نیرو رو به افزایش است، و می تواند به مثابه محرک انقلابی مهمی در نظر گرفته شود. قبل از جنگ، انگلستان به تنهایی 95 میلیون نفر از مسلمانان را تحت کنترل خود داشت که 62468598 نفر آنها در هند زندگی می کردند. بعد از انگلستان، نوبت دولت هلند بود، که 24 میلیون و 250 هزار نفر مسلمان در مستعمره های شرقی آن می زیستند (1). در ترکیب اتحاد شوروی سوسیالیستی، چندین جمهوری خودمختار مسلمان با حدود 20 میلیون نفر جمعیت وجود دارد. بقیه نیز در کشورهای تحت انقیاد فرانسه و ایتالیا می زیبند.

امپراتوری چین، که کشوری غیر مسلمان است، بین 5 تا 10 میلیون نفر مسلمان را در خود جای داده است (2). تفکر پان اسلامیزم خواهان تجمع کلیه مسلمانان به زیر پرچم واحد خلیفه

به مثابه جانشین پیامبر است، که با ید زندگی معنوی و مادی کشورهای اسلامی را تحت حکومت خود داشته باشد.

اسلام در قرن هفتم میلادی در عربستان متولد شد. از این تاریخ به بعد عربستان به مرکز فتوحات سرزمین های وسیع و اقوام مختلف آن بدل گردید. تفکر مذهبی، محوری برای اتحاد قبایل چادرنشین این منطقه شد. در عین حال، این اتحاد تازه و ناپایدار می نمود، زیرا نزد اعراب بت پرست مذهب نقش ثانوی ایفا می کرد.

انکشاف روابط اقتصادی، ایجاد یک قدرت متمرکز دولتی را می طلبید. زندگی روزمره اثبات می کرد که می بایست برای رسیدن به این هدف یک برنامه جدید مذهبی طرح شود، برنامه ای که خطوط زندگی اجتماعی افرادی را، که این مذهب برای آنان ترویج می شد، در برگرفته، قادر به بسیج کلیه نیروهای اجتماعی در حال انکشاف باشد. فکر ایجاد چنین دینی در سر «محمد» جای گرفت. او از سن 12 سالگی همراه عموی خود در کاروان های تجاری بازارهای یمن و سوریه و بین التهرین سفر می کرد. با آدم های جدید آشنا، زندگی نوی را تجربه میکرد، و با عقاید مذهبی نوی آشنا می شد. این جوان حساس که هرگز به مدرسه نرفت، و احتمالاً خواندن نیز نمی دانست، بعدها می بایست به ناجی کشور خود، که در اوضاع و احوال بسیار دشواری بود، بدل گردد. در اصل اخلاقی که به مثابه پایه های دین جدید توسط محمد مطرح شد، در مقایسه با بت پرستی خشن و بی قانون اعراب، قدم بزرگی به جلو بود.

برای جایگزینی غریزه انتقام و جدایی طوایف گوناگون از یکدیگر، اسلام همبستگی، برابری، شکیبایی و مهربانی را قرار داد. جنبه مترقی اسلام نیز در همین نکته نهفته است. اوضاع مادی، که موجب پیدایش مذهب جدید شد، خود عامل مهمی در انکشاف آتی آن بود. عقاید انتزاعی نمی توانست موجب ایجاد و حمایت از یک دولت متمرکز قوی شوند. لازم بود که قانون های مشخصی تدوین شوند که، از طرفی راهنمای خطوط اساسی زندگی اجتماعی باشد،

و از طرف دیگر، با سطح زندگی و آگاهی توده‌های مردم نیز خوانایی داشته باشد. بدین ترتیب، در حکومت جدید، رابطه نزدیکی بین نظرهای انتزاعی و قانونهای مادی زندگی مردم به وجود آمد: نظرهای انتزاعی جنبه اجبار به قانونهای زندگی می‌داد، که به نوبه خود نه تنها برای مردم بسیار قابل فهم و متناسب با عادات آنها بود. بلکه موجب تقویت اعتقاد به روحانیت و مبدا ماورا الطبیعه چنین افکاری نیز می‌شد.

خدای یکتا و توانا با بهشت و جهنم خود به این خاطر وجود داشت که توانسته بود پیامبری منادی چنین قانونهای خوب و جهانشمولی نازل آورد.

مسئله عملی در این زمینه خصوصا در اواخر عمر محمد ظهور کرد. زمانی که او به رهبر سیاسی توده‌های عرب تبدیل شده بود، او می‌بایست هر چه بیشتر دست به سازش بزند و اصول مذهب انتزاعی را با وضع موجود وفق دهد. برای مثال زمانی که قصد جلب طوایف مستقل عرب را داشت. بسیاری از روش‌های آنها را به رسمیت شناخت. البته او نتوانست کاملا با روابط اجتماعی ماقبل خود قطع رابطه کند. و فقط آن بخشی از سلوک و عاداتها را، که مانعی بر سر راه حاکمیت قانون‌های الهی و اتحاد طوایف گوناگون بود از طریق مضمون‌های توده‌ای و جهانشمول در کتاب قرآن جایگزین کرد تا بتواند به هدف خود یعنی یک حکومت متمرکز دست پیدا کند؛ او با تمام نیروی درایت رهبری و سازماندهی خود مبارزه می‌کرد و غالبا در مبارزه پیروز می‌شد. برای رسیدن به هدف از کاربرد شمشیر نیز دریغ نمی‌ورزید. هموطنان او، یعنی بازرگانان مکه، متوجه اهدافش در زمینه گسترش روابط تجاری نشده، از محبوبیت او در بین مردم به هراس افتاده بودند، بر علیه او برخاستند (622 میلادی)، محمد به مدینه گریخت، و با کمک طوایف دیگر عرب، مکیان را سرکوب کرده، به اطاعت واداشت. محمد برای جلب حمایت طبقات فقیر، که در زمان به آنان متکی بود، سخنانش را بر ضد ثروتمندان ایراد می‌داشت، و آنها را گناهکار می‌خواند، و برای جلوگیری از اصراف، قانون

زکات را به نفع فقرا اجباری کرد. بعدها زمانی که طبقه تجار به رهبری او گردن نهادند، در جهت حفظ منافع آنها کعبه و مکه را به مرکز تجاری و مذهبی جهان اسلام بدل کرد. بتها را از مکه بیرون ریخت و فقط سنگ ابراهیم حجرالاسود را محفوظ داشت، و زیارت مکه را حداقل یکبار برای هر مومنی اجباری دانست. این عمل منافع تجار عرب را تامین می کرد، و موجبی برای اتحاد فرهنگی و مذهبی مسلمانان شد.

با ایجاد یک مرکز یکتای اسلامی محمد امیدوار بود که تمام امت اسلام را بنام مذهب در یک جامعه مدنی (کذا) واحد گرد آورد او می گفت: به رحمت خداوندی همگی برادر خواهیم شد و یک جامعه واحد به وجود خواهیم آورد (3).

در حکومت عثمان جمع آوری، بازبینی و نگارش وحی ها، افکار و تصمیمات محمد، که در زمان حیات او بر روی پوست، پاپيروس و سنگ نوشته شده بود، و همچنین در بیشتر اوقات در حافظه افراد نقش بسته بود، عملی شد. نسخه های مخدوش و یا غلط نابود شدند. این چنین بود که مجموعه ای تحت قرآن، که اساس دین اسلام است (سال 30 ه ق ، 650 میلادی) ظهور کرد، و امروز بدون تغییر در دسترس ماست.

قرآن تمام قانونهای پایه ای را، که به کلیه شئون زندگی مسلمانان مربوط می شود، در خود دارد. قانونهای مذهبی، مدنی، جزایی، مقررات سیاسی، اداری، اقتصادی و همچنین قانونهای زندگی خصوصی و اجتماعی، و در یک کلام، آنچه که به سازماندهی و حکومت بر مردم در تمام حیطه های قانون گذاری بر می گردد، را شامل می شود اما چون تمام این قانونها در مورد عربستان در یک محدوده زمانی خاص وضع شده بودند، بعدها موجب تفسیرهای گوناگون شدند. تعداد این تفسیرها آنچنان زیاد است، که طبق گفته «ویل» (4) فهرست آنها خود به اندازه یک کتاب است. در تنها کتابخانه طرابلس که در سوریه امروز و در شمال لبنان است بیش از 20000 تفسیر وجود دارد (5).

قرآن با اتکا به پیش بینی امت توسط خدا، عملاً آزادی اندیشه را از انسان سلب کرده است (6). خداوند مجازات شدیدی بر ضد کافران در نظر می گیرد!

" منزلگاه شما آتش خواهد بود و برای همیشه در آنجا خواهید ماند". در اینجا پیامبر به صورت قابل فهمی برای جاهلان دوران خود نقطه نظر مجازات گناهان و قضاوت آخرین را طرح می کند. لکن محمد اساساً به توضیح و تشریح زندگی در جهان دیگر پرداخته است. در مورد بهشت او هیچ را از قلم نیانداخته است. تخیل عنان گسیخته ی او آنچنان بهشت را جذاب و قابل فهم توصیف کرد که موفقیت دین جدید را تضمین می کند. در بهشت فرد مومن تمام آن چیزهایی را می یابد که در صحرای وحشی، در فقر و کمبودهای آن هرگز نداشته است و فقط در رویاهای خود می بیند. فرد ثروتمند هم چند برابر آنچه در روی زمین صاحب است در بهشت خواهد یافت.

گرمای طاقت فرسای آرزوی یک باغ مشجر را بصورت رویا در می آورد. بهشت بمثابة یک باغ بزرگ توصیف می شود که بسیار مجلل است. آرزوی آنوقه ی کافی و مستمر بصورت غذاهای لذیذ و بهترین شراب ها در بهشت تحقق می یابد.

اعراب رنگ های تند و لباس های براق را دوست دارند. در بهشت لباسهای براق از ابریشم نازک و مملو از سنگ گرانبه، مروارید و الماس و تاج های زرین مزین به سنگ های قیمتی انتظارشان را میکشند. اعراب از کار طاقت فرسا بیزار اند، و برای کار خود به خرید و به کار گماردگان می پردازند. بهشت به آنان صد برده و مستخدم می دهد، بردگان تمام امیال آنان را بر می آورند؛ غذایشان می دهند و آنان را لباس می پوشانند، غذا را در ظروف طلایی و آشامیدنی را در تنگ های زرین به پیششان می آورند. غذا و آشامیدنی در معده ساکنان بهشت از طریق عرق نامرئی هضم می شود. اما بزرگترین خوشبختی فرد مومن در آغوش زنان بهشتی تحقق می یابد. فرد مومن می تواند زنان خود در این دنیا را همراه خود بیاورد. لیکن علاوه بر آنان، فرد مومن را هفتاد و دو حوری زیبا با چشمان درخشان انتظار

می‌کشند. این حوریان زیبا و جوان به هیچ روی نقطه‌ی ضعف زنان زمینی را نداشته، بلکه تمام محسنات آنان را در خود دارند. حوریان، زیبا رویان چشم سیاه با سینه‌های گلابین، با سپید بدنی مروارید گونه که با زنان زمینی قابل مقایسه نیستند. خدا به آنان فضیلت بکارت ابدی داده است.

برای این که از لذایذ خود بهره مند شوند، مومنان با تمام نیروی جسمانی خود به زندگی بهشتی باز می‌گردند، با نیروی جوانی سی ساله در زمان حیات زمینی و هرگز پیر نمی‌شوند. آنانی که خواهان تشکیل خانواده هستند صاحبان کودکانی خواهند شد که نه می‌گیرند و نه فریاد بر می‌آورند. زندگی مومنان در بهشت خالی از هر گونه نگرانی است و در میان جویبارهای شیر و عسل چشمه‌های شراب و آب زلال، که همچون یخ سرد است خواهند زیست. آنان بروی جاده‌های مملو از مروارید، در باغ‌هایی با درختان سبز که از فرط بار سر خمیده کرده‌اند، به سیاحت خواهند پرداخت.

برای استراحت و خواب، صاحب قصرهایی با فرش‌های گرانبه‌تر بر روی زمین و بر دیوار خواهند بود، و در بسترهای لطیف ابریشمین و لحاف‌های نو خواهند خوابید. پریان با اوراد الهی گوشه‌های آنان را نوازش خواهند داد. تمام این تجملات، زنان، اغذیه‌ی خوب هرگز فرد مومن را خسته نخواهد کرد. این است تصویر خوشبختی در بهشت که به غیر از چادرنشینان دیگران را نیز به اسلام نزدیکتر می‌کند (7).

اعتقاد به تقدیر در اسلام مهر طبقه‌ی حاکم را به این دین می‌زند، اسلام بردگی، استبداد و جهل را امری مقدس می‌نمایاند، و هر گونه گرایشی به اعتلای فکری و معنوی را در نطفه خفه می‌کند. اگر خدا از همان ابتدا انسان را خوب یابد، باهوش یا احمق، زرنگ یا تنبل آفریده باشد، آخر به چه درد می‌خورد که انسان آموزش ببیند و خود را اعتلا بخشد. خشکمغزی ایکه برای یک هدف معین و برای تقویت شجاعت مومنان در جنگ عمل می‌کند، به مثابه

دریچه ی اطمینان در زمان هائی که پیامبر و خلفای جانشین او در معرض خطر قرار می گیرند، مورد استفاده قرار می گیرد. این شیوه ی تفکر با گذشت زمان آرام آرام به یک رکود اجتماعی و تقدیر گرائی محض می انجامد.

بدین ترتیب، اسلام که نخست تحت فشار ضرورت های انکشاف روابط اقتصادی، بصورت یک برنامه ی نو توسط محمد و جانشینانش طرح شد، عاقبت به سرنوشتی گرفتار آمد که مذاهب دیگر بدان دچار شده بودند: یعنی سلاحی شد در دست طبقات حاکم برای حفظ منافع و حاکمیت ایشان بر کسانی که هیچ نداشته و تنها فرمانبرداری می کردند. اعراب دوران اسلام امکاناتی در اختیار داشتند که حتی طبقات حاکم در دوران امپراتوری روم فاقد آن بودند. آنان اختیار گنجهای 3 قسمت جهان، فرهنگ بیزانس، ایرانی و ویزیگوت را داشتند، و خیلی زور به زندگی جدید خود عادت کردند. فقط اولین نسل حاکمان با حالتی از وحشت در مقابل ثروتهای جهان، که خداوند برای مومنان فرستاده بود، مقاومت کردند. (نظیر عمر)

در شهرهای اصلی ساختمان کاخهای اعجاب انگیز آغاز شد. به قول کرمر (8): " قصر خلفا در دمشق از طلا و مرمَر برق می زد، کاشی های شگفت انگیز تمام کف و دیوارهای آنها را پوشانده بود. چشمه های دائمی و گیاهان مصنوعی سایه های دلپذیری را به وجود آورده بودند، که همراه با نجوای آب، منادی خواب شیرین می شدند. پیچ های مجلل و درختان سایه دار مامن پرندگان خوش صدا شده بودند. کاخ ها از طلا و نقوش مختلف برق می زد، و اتاقهای با شکوه مملو از بردگان خوش لباس بود و در اندرون هم زیباترین زنان دنیا می زیستند".

قصر خلفا در بغداد یک چهارم شهر را اشغال می کرد، و دست کمی از قصر دمشق نداشت. صاحب منصبان و تجار در ساختن قصر و اقامتگاه تابستانی با خلیفه در رقابت بودند. در

اسپانیا عبدالرحمن سوم، دو سوم در آمد حکومت را به صرف ساختمان قصرها می رساند. در «کردویا و سویل» در طول سواحل «گوادلقویر» کیلومتر ها باغ وجود داشت که در میان آنها ویلا و قصر بنا شده بود.

خرابه های الحمراء و قصرهای قرناطه حاکی از تجمل فرهنگ عرب و اسپانیولی است. در قصرهای مسلمانان آنچنان زندگی دلپذیری گذارنده می شد که تقریباً در تاریخ سابقه نداشته است.

نگهداری قصر مامون عباسی هفتاد هزار فرانک در سال خرج بر می داشت. خادمان قصر 13000 تن بودند که 3700 نفر آنان برده و 6300 زنان حرم بودند. در قصر مقتدر عباسی 11 هزار خواجه وجود داشت. زمانی که مقتدر امپراتور بیزانس را به حضور پذیرفت از 12000 قطعه پارچه ابریشمی مزین به طلا استفاده شد. برای ساختمان مسجد ها نیز خرج می شد. در تمام شهرها مسجد هائی می ساختند که زمینه ی تجملی آن با حالت مذهبی کلیسای مسیحی برابری میکرد، شهر بصره به خاطر مسجدها یش گنبد اسلام نام گرفته بود.

پانصد هزار نفر جمعیت شهر «کردویا» در زمان خلافت «عبدالرحمن سوم» از 3 هزار مسجد و سیصد حمام عمومی بهره مند شدند. سخاوت خلفا موجبی برای رقابت اطرافیان ایشان، یعنی شاهزادگان و صاحب منصبان بلند پایه بود، که به حفر چاه آب، کاروانسرا و آبراه می پرداختند. بنی امیه بیمارستانهای عظیمی در دمشق بر پا داشتند؛ در زمان خلافت مقتدر، تمام بیمارستانهای شهر بغداد تحت نظارت یک پزشک مسیحی اداره می شد. مقتدر شخصا هزینه احداث بیمارستان جدید را بعهده گرفت. در دوران طلایی اسلام تحت فشار طبقه ی بازرگان، به نگهداری و احداث راه و آبراه توجه بسیاری شد. این عمل خود زمینه ی رونق کشاورزی و تجارب را فراهم آورد.

زمین های لم یزرع توسط کانال های آب به آبادهای کشت شده بدل شدند. در سیسل توجه زیادی به کشت زیتون، پنبه و نیشکر می شد. در اسپانیا دشتهای قرنطه مورچیا و والنسیا آنچنان از امکانات برخوردار بودند که انواع و اقسام فرآوردهها به دست می آمد.

تجملاتی که در قصرها رواج داشته زمینه ی انکشاف انواع حرف و هنرها را فراهم آورد. از دوران ساسانی صنعت ابریشم در ایران بسیار پیشرفته بود، در دوران خلفا نیز انکشاف چشمگیری یافت. بغداد اولین شهر دنیا، در بافندگی پارچه های ابریشمین شد. مناطق شرقی قلمرو خلفا به غیر از پارچه های ابریشمین، پارچه های پشمین و نخی نیز می بافتند.

آسیای غربی در زمینه ی فرآوردهای چرمی و کتانی شهرت داشت. در سوریه صنعت شیشه، در مصر صنعت کاغذ رواج فراوان داشت. از قرن سوم هجری به بعد، کاغذهایی که در شرق از پنبه درست می شد، رقابت با کاغذهای گرانیقیمت مصر را آغاز کرد. در این دوران تجارت کاغذ بسیار رواج داشت. قرن ها غرب از کاغذها ئی که در شرق مسلمان ساخته می شد استفاده میکرد. ایران خصوصا در زمینه فرآورده های فلزی، ابزار جنگی، و تزیینی شهرت به سزائی داشت.

در اسپانیا تحت حکومت بنی امیه، تجارت ابعاد گسترده تری از شرق گرفته بود. گمرک ورودی - خروجی کالا در دوران شکوفائی اسلام مهمترین بخش در آمد دولتی را تشکیل می داد.

در اسپانیا تحت حکومت بنی امیه، تجارت ابعاد گسترده تری از شرق گرفته بود. گمرک ورودی - خروجی کالا در دوران شکوفائی اسلام مهمترین بخش در آمد دولتی را تشکیل می داد. در زمان عبدالرحمن سوم، ثروت آنچنان گسترش یافته بود که به گفته ی گائوری هیچ مسلمان پیاده راه نمی رفت. جهان در حاکمیت خداست و او آنرا به خادمان خود ارزانی داشته است. از قرار معلوم خادمان خدا اشرافیت عرب و مفسران کتابهای مقدس بودند. در کنار این فصرهای خیره کننده، تعداد بی شماری کلبه های گلین بود که فقر گرسنگی در آنها فرمان می رانده. تقریبا تمام صنعت این زمان در جهت ارضای خواستههای بوالهوسانه ی طبقات حاکم بکار افتاده بود و هرگز به بر آوردن نیازهای توده ی وسیع مردم در نظر گرفته نمی شد.

در کنار این تجملات بی حد و حصر و فقر دهشتناک جنگهای داخلی برای تاج و تخت خلیفه ابعا د گسترده داشت. بعد از قتل خونین خلیفه چهارم علی و جانشینانش (680 میلادی)، سلطنت به خلفای بنی امیه رسید (9)، که برای انشعاب در اسلام از هیچ کاری رو گردان نبودند. پس از کشتار کربلا، شهرهای مذهبی علیه سیاست خشن بنی امیه قیام کردند، که با سرکوب وحشیانه و غارت ارتش سوریه مواجه شدند، به گونه ای که طی آن مسجد پیامبر در مدینه به اصطبل تبدیل شد (10). خلفای بنی امیه مذهب را به مسخره می گرفتند و حتی یکی از آنان زیارت قبر پیامبر را ممنوع کرده بود. ولیای دوم کار را به آنجا رساند که یکی از معشوقه های خود را بجای خویش به نماز جماعت فرستاد، او از قرآن بعنوان هدف تیراندازی استفاده می کرد (11).

در چنین اوضاع و احوالی طبیعی بود که صاحب منصبان اسلام برای تصاحب تاج و تخت خلیفه به هر کاری دست بزنند. در اتاق های این قصرهای حیرت انگیز قتل و دسیسه امری عادی شده بود. بعد از خلفای صدر اسلام (در سنت) فقط چهار جانشین مستقیم وجود داشت و از 26 خلیفه ی عباسی، تنها شش نفر جانشین مستقیم بودند، بقیه این مقام را از طریق براه انداختن سیل خون بدست آوردند. مراد سدو در ترکیه برای از میان برداشتن مدعیان تاج و تخت، دستور داد سه بردار خود را خفه کنند و سپس برای آمرزش روح آنان زکات داد و جلسات قرائت قرآن به پا داشت. پس از دفن سلیم دوم، جانشین او، محمد سوم، 17 بردار خود را خفه کرد (12). در این دوران ها یک بار برای همیشه اصول اسلام درباره ی برابری و تقسیم ثروت بین مومنان به فراموشی سپرده شد. خلفا و سپس سلاطین، امرا، خانها، و شیوخ به ابعاد بی شرمانه ای می اندوختند و توده های مردم، بالعکس، از سیر کردن شکم خود عاجز بودند. این اوضاع کاملاً از روح شریعت به دور افتاده بود، اما طبقات حاکم تمام این احکام را به نفع خود تغییر دادند. آنان دستور قرآن و شریعت را که در جهت تقویت منافع خود بود مورد استفاده قرار دادند و کلیه نکاتی را که با منافع آنان در تضاد قرار می گرفت نفی کردند (13).

خانهای ترک در مواردی با استفاده از مذهب و پان اسلامیزم مرزهای خود را گسترش داده، به دین منظور به روی آیات قرآن تکیه کردند (14) که دنیا را به دو بخش، اسلام بنام «دارالاسلام» و بخش کفار بنام «دارالحرب» تقسیم میکند. بخش اول متعلق به مسلمانان و جایگاه فرزندان مومن است. رهبری «دارالاسلام» باید در دست خلفا باشد. فرق خلیفه و انواع و اقسام سلطنت این است که خلافت تنها شکل حکومتی است که توسط قانون الهی به رسمیت شناخته شده، یکتا و جهانشمول است، در حالی که اشکال دیگر حکومت اسلامی توسط شریعت به رسمیت شناخته نشده، حتی محکوم نیز شده است.

دو مانع بزرگ در راه اتحاد 350 میلیون مسلمان که تحت حکومت سلطانهای ترک بودند وجود آمد. از یک طرف کشته های فزاینده ی امپریالیزم جهانی، که خواهان تسلط بر تمام کشورهای اسلامی آزاد بود و از طرف دیگر، تقویت جنبش ملی تحت رهبری بورژوازی جوان، که در پهنه خاور زمین بزرگ شده، و در زمان جنگ بسیار تقویت شده بود. در ترکیه حتی جوانان ترک فکر پان ترکیسم را در مقابل پان اسلامیزم مطرح می کردند. آنان میکوشیدند تمام عوامل اساسی متحد کننده ی عنصر ترک را مستقل از اسلام مطرح کنند، به جای رابطه ی مذهبی رابطه ی نژادی ترکها را عنوان می کردند، و خواهان اتحاد ترکهای آناتولی، ایران، قفقاز، روسیه، ترکستان، چین و ... تحت امپراتوری ترکیه بودند، که شامل هفتاد میلیون می شد (15).

قیام اعراب در جنگ جهانی اول تحت رهبری شریف مکه، که با شرکت انگلستان همراه بود، موجب جدائی شهرهای مذهبی مکه و مدینه از ترکیه شد. پس از این رویداد جوانان ترک به صورت قاطع تری از ایده ی پان اسلامیزم روی گردان شدند. افزون بر این، جنگ مذهبی (جهاد) که بر ضد امپریالیست های متفق در 21 نوامبر 1914 اعلام شد، نتوانست به دنیای اسلام الهام لازم را بدهد، و پرچم سبز پیامبر که این چنین کفار را به لرزه در می آورد هیچ گونه تاثیری باقی نگذاشت. امپریالیستهای انگلیسی که از همه بیشتر از خطر جنگ مذهبی

می هر اسیدند، با یک محاسبه ی درست از این موضوع کاملاً بهره گرفته، «شریف مکه» را که خلیفه ی همه ی مسلمان بود، تحت حمایت خود به شورش وا داشتند.

البته روشن است که خلافت به این شکل مضحکه هیچ کس را ارضا نمی کرد، زیرا نظریه یک دولت اسلامی یکتا و جهانشمول را که تقریباً توسط سلطان سلیم و جانشیان او بوجود آمده بود، از بین می برد. حتی قبل از جنگ یکتائی، خلافت با جدا شدن الجزایر، تونس، مصر، سودان، لیبی،... خدشه دار شد. وضعیت پس از جدائی شریف مکه که استقلال حجاز را اعلام داشت، بدتر شد، و معاهده ی «سور» جنگ صلیبی طولانی سرمایه داری جهانی علیه اسلام را به اوج خود رساند. امروز تکه های سرزمین های اسلامی در مقیاس وسیع توسط امپریالیست های اروپائی اشغال شده اند، و جنبه ی جهانشمول خلافت بار دیگر به پنداری بدل شده است. «دارالاسلام» دوباره به دست کفار افتاده است.

اگر یک بورژوازی مسلمان، خواه در هند، خواه در مصر یا ترکیه، با وجود این که گاهی اوقات چون ناسیونالیست های ترک از سلاح برای مبارزه آزادیبخش ملی بر ضد سرمایه داری غرب سود می جوید، به آن با خونسردی می نگرد. همین امر در مورد اشرافیت مسلمان و روحانیت با رتبه صادق نیست.

«شیخ رنوزی» افریقائی، امیر امان الله خان افغانی، تحرک بسیاری برای برقراری خلافت به سبک سنتی از خود نشان می دهند. در نظر آنان جنبش ملی در آناتولی به مثابه مبارزه ی اسلام بر ضد یوغ سرمایه داری اروپاست. بیش ازین، در فصلهلی پیشین از این کتاب، گفتیم که رنوزی در کنگره ی میهن پرستان ترک در ارزورم شرکت جسته، همبستگی کامل خود را با این جنبش از طریق دعوت مسلمانان برای حمایت مسلمانان از آن نشان داده بود. در این مورد نامه ای امیر افغان به مصطفی کمال پاشا بسیار گویاست.

" به رزمندگی شجاع و با ارزش اسلام مصطفی کمال پاشا، که امیدوارم که ازین پس نیز پیروزی های فراوانی بر دشمنان اسلام به ارمغان بیاورید" (16).

بدین ترتیب، این مبارزه در نظر اشرافیت بزرگ مسلمان و روحانیت چیزی جز مبارزه بر ضد دشمنان اسلام نیست. این نکته خصوصا در کنفرانس اسلامی صاحب منصبان در کابل (2 ژوئن 1920) تاکید شد، که قطعنامه ی زیر را به تصویب رساند:

" شرایط صلح ترکیه که خصوصا توسط انگلستان تحمیل شد، یک دست اندازی به دین ماست. هر مسلمانی باید همکاری با دولت بریتانیا را مردود بداند، هر گونه منصب افتخاری را که توسط انگلیسی ها تفویض می شود، به دور افکند، برای بررسی وسایل و راههای مختلف دفاع از اسلام باید کنگره ای در افغانستان متشکل از علما و روحانیون تحت ریاست «امیر امان الله خان» تشکیل شود. باید خلیفه ی اصلی مسلمانان را «سلطان محمد ششم» داشت و پیمان وفاداری به «شریف مکه» را بی اعتبار اعلام داشت. چون گسترش اسلامیت در کمال استقلال منوط به تعهد قدرت سیاسی بدان و دفاع از آن است، تمام مسلمانان باید خواهان استقلال و آزادی قدرت سیاسی باشد" (17).

نظریه ی خلافت با سلسه مراتب روحانیت و همچنین پان اسلامیزم مطمئنا عمیقا ارتجاعی است. اما در اوضاعی که طبقات فوقانی مسلمانان را بر ضد سرمایه داری غرب و درجه اول سلطه ی بریتانیا بسیج می کند، تا حدی نقش انقلابی ایفا می کند، زیرا از هم گسیختگی سرمایه داری جهانی را تسریع، پایه های سلطه لندن را سست می کند.

زمانی که ناسیونالیست های ترک مرحله ی مبارزه ی خود را بر ضد سلطه ی غارتگران اروپایی پیروزمندانه به اتمام رساندند، کوشیدند برای آزادی کامل خود با الهام از روحانیت ترک، کشورهای دیگر اسلامی را نیز در مبارزه بسیج کنند. بدین منظور، " مجمع عمومی

ملی" در آنکارا (1921) به اتفاق آرا طرح دولت را برای دعوت کنگره ی پان اسلامیزم در آنکارا به تصویب رساند. در این کنگره تصمیم گرفته شد که از تمام نمایندگان جهان اسلام، از جمله الجزایر و هندوستان، دعوت به عمل آید. به موازات این، انگلستان کنگره ای مشابه در مکه دعوت کرد. اما تمام گرایش های پان اسلامیزم با تمام کوشش خود در جهت برقراری خلافت منتج از روح اسلام، طبیعتاً بر ضد انگلستان سمت و سو پیدا خواهند کرد. باید نقطه نظر آن فیلسوف هندی را پذیرفت که می گفت: "من سه دوست دارم، دوست خودم، دوست دوستم، و دشمن دوشمنم".

انگلستان امروز بزرگترین دشمن انقلاب جهانی است و تمام کسانی که بر ضد بختک سرمایه داری می رزمند، صرفنظر از هدف نهائی آنان به وظیفه پرولتاریای بین المللی برای اتمام کار سلطه بورژوازی یاری می رسانند.

پاورقی ها:

- 1) آرشیو علوم اجتماعی و سیاسی، به زبان آلمانی، 1921، ص ص 376-417.
- 2) آرشیو اقتصاد جهانی، به زبان آلمانی، 192، جلد 16، دفتر سوم، ص ص 333 - 347.
- 3) گو لوبورودکو، ترکیه کهن و جدید، سال؟، ص ص 56-57.
- 4) سنگ کعبه (حجر اسود) از خانواده ی اجرام سماوی است که ابعاد آن از هر سنگ دیگری از این نوع که دانشمندان تا حال شناخته اند بزرگ تر است.
- 5) قرآن، سوره 3، آیه های 98-100: [" بگو ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر شده و به اعمال زشت می گزینید؟ بترسد که خدا گواه اعمال شماست. بگو ای اهل کتاب، چرا راه خدا را می بندید؟ (رسالت پیامبر را انکار می کنید) و اهل ایمان را به راه باطل می خوانید؟ در صورتی که به زشتی این عمل آگاهید. بترسید که خدا بی خبر از کردار شما نخواهد بود. ای کسانی که بدین اسلام گرویده اید، اگر پیروی بسیاری از اهل کتاب را کنید، شما را بعد از ایمان به کفر بر می گردانند."]
- 6) وایل، مقدمه ی انتقادی بر قرآن، به آلمانی، سال؟، ص 68.
- 7) قرآن، سوره ی 2، آیات 191، 239، 240، سوره ی 4 آیات 102، 103، سوره ی 62، سوره 73، آیه 20 و غیره [" با کفار و مشرکان کارزار کنید و آنان را به قتل رسانید هر کجا آنان را بیابید و از شهرها برانید، همچنان که شما را از وطن آواره کردند. و فتنه گری که آنان کنند، سخت تر از جنگ است و در مسجد الحرام (خانه ی کعبه) با آنها به جنگ برنخیزید، مگر آنکه آنان پیش دستی کنند. در این صورت رواست که آنان را به قتل برسانید و این است کیفر کافران ... والخ]

8) بهشت و لذایذ آن نگاه کنید به قرآن سوره ی 55، آیات 56، 58، 72، 76، سوره 2 جهنم و عذابهای آن، آیات 4، 17، 25، 54، 101، و سوره ی 22، آیه ی 22. [در آن بهشت ها زنانی زیبای با حیائی هستند که دست هیچ کی (از جن و انسان) به آنان نرسیده است" (56/55)... "آن حوریان گوئی چون یاقوت و مرجانند". (58/55)]

9) از این برهه به بعد اسلام به دو فرقه ی شیعه و سنی تقسیم شد.

10) تسوتکف، اسلامیزم، به روسی، 1914، فصل 4، ص 62.

11) آ. کریمسکی، دین اسلام و آینده ی آن، به روسی، مسکو، 1899، ص ص 20-21.

12) گائوری، اسلام و نفوذ آن بر مومنان، محل و سال انتشار؟، ص ص 390 و 389.

13) قرآن، در مورد استبداد و دولت روحانی (تئوکراسی) سوره 2 (البقره)، آیه 228.

14) قرآن، سوره 2، آیات 8، 9، 14، 16، 47. ["گروهی از مردم منافق گویند که ما ایمان آورده ایم به خدا و روز قیامت و حال آنکه ایمان نیاورده اند و می خواهند که خدا و مومنان را فریب دهند. و حال آنکه خود شان را فریب می دهند، ولی نمی فهمند"].

15) جهان اسلام، به روسی، 1913، فصول 8 و 9 درباره ی پان اسلامیزم و پان تورانیسم.

16) روزنامه ی ینی گون (ترکیه) مورخ 24 دسامبر 1920.

17) درنویه اورینت (خاور نو)، سپتامبر 1920، شماره های 5، 6، ص 198.